

ارزشیابی راهبردهای حمایت از واحدهای تولیدی کوچک ایران

شمس الدین ناظمی*

چکیده:

اگر چه بخش قابل توجهی از پژوهشهای کشور در سالهای اخیر به مطالعه‌ی نقش و وظایف دولت در بستر سازی برای فعالیتهای تولیدی اختصاص داشته است، مطالعه‌ی سیاستها و سازوکارهای حمایت از صنایع کشور بر حسب اندازه یا حجم فعالیت، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

پژوهش حاضر با نگاهی به رابطه‌ی دولت-صنعت که با بروز پدیده‌هایی چون: جهانی شدن تجارت و شکل‌گیری ائتلاف‌های پیچیده بین صنایع چند ملیتی، اهمیت روز افزونی یافته است، راهبردها و سازوکارهای حمایت از صنایع کوچک و ارزشیابی عملکرد سیاستهای حمایتی گذشته را به عنوان چالش اصلی خود برگزیده است.

این پژوهش بر آن است تا اثر بخشی سیاستهای حمایتی دولت در قبال واحدهای تولیدی کوچک را تعیین و با شناسایی زمینه‌هایی که از نگاه نهادهای متولی حمایت از صنایع کوچک دور مانده است، راهکارهایی برای حمایت از کارآفرینان و صنایع کوچک تولیدی فعال در کشور ارائه کند.

نتایج تحقیق حاکی از وجود تفاوت قابل ملاحظه بین انتظارات واحدهای تولیدی

*. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

کوچک، و حمایت‌های بعمل آمده از آنها توسط نهادهای دولتی است.

مقدمه

اهمیت صنایع کوچک در توسعه‌ی اقتصادی کشورها، توجه روز افزون سیاست‌گذاران و دولتمردان را در جوامع مختلف به دنبال داشته است. تعداد واحدهای تولیدی کوچک در دو دهه‌ی گذشته در جهان رشد چشمگیری داشته است، و افراد، سازمانهای متوسط و بزرگ برای دریافت کالاها و خدمات و نیز مواد و قطعات مورد نیاز خود به این گروه از صنایع متکی بوده اند.

بر اساس شواهد موجود، هر ساله، هزاران واحد تولیدی کوچک در کشورهای مختلف شکل گرفته و تعداد زیادی از آنها نیز به دلایل گوناگون با ناکامی مواجه می‌شوند. سازمانهای بین‌المللی، اهمیت این گروه از صنایع را به خوبی دریافته اند. و به همین علت است که در آغاز قرن جدید میلادی توجه به واحدهای کوچک و کمک به راه اندازی و ادامه‌ی حیات آنها در اقتصاد کشورها اهمیت فراوان یافته است (هرگتس و کواراتکو ۲۰۰۱ ص ۱۶)^۱.

افول پارادایم تولید انبوه، اهمیت روزافزون سازمانهای انعطاف پذیر و نوآور که از جمله مشخصه‌های صنایع کوچک بشمار می‌روند، روند کوچک شدن سازمانها، سهم قابل توجه این صنایع در تولید ناخالص ملی کشورها، و به خصوص استعداد آنها در ایجاد مشاغل جدید، توجه بیشتر کشورها را به سازمانهای کوچک معطوف کرده است (لارور و ره ناتا، ۱۹۹۶ ص ۱۶۹)^۲.

راه اندازی واحدهای تولیدی کوچک و افزایش قابلیت‌های مورد اشاره، تابع متغیرهای درون سازمانی و محیطی و نیز سازوکارهای حمایتی مناسب است. تحت شرایط مطلوب، و در صورت حمایت صحیح، واحدهای تولیدی کوچک می‌توانند نقش مهم و حتی تعیین کننده‌ای در پاسخگویی به نیازهای بازار ایفا کنند.

1. Hodgetts & Kuratko

2. Lerever & Renata

اهمیت مسأله

واحدهای تولیدی کوچک با تعداد کارکنان کمتر از ۵۰ نفر بخش اصلی کارگاههای تولیدی اکثر کشورها را تشکیل می‌دهند. در ایران، بر اساس آمار رسمی کشور، حدود ۹۷ درصد کارگاههای تولیدی در گروه صنایع کوچک قرار دارند (شریف النسبی: ۱۳۷۶ ص ۳۵).

از طرف دیگر، اگر چه صنایع بزرگ از قابلیت‌های زیادی برای کاهش هزینه‌های تولید، ساده کردن امور و تهیه زمان و روش‌های استاندارد، هدایت منابع به فعالیت‌های تحقیقاتی و استفاده از نتایج پژوهشها در طراحی و ساخت محصولات جدید برخوردارند، در مقابل، واحدهای تولیدی کوچک به دلیل انعطاف پذیری زیاد و توانایی انطباق با تغییرات بازار و سلیقه مشتریان دارای مزیت‌های انکار ناپذیر هستند (پارکر ۲۰۰۰ ص ۱۷).^۱

وجود مزیت‌های ذکر شده از یکسو و مشکلات راه اندازی واحدهای تولیدی کوچک و نرخ بالای شکست آنها از سوی دیگر، مطالعه آثار و نتایج سیاستهای حمایتی دولت و شناسایی زمینه‌های حمایتی مورد نیاز آنها را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱- حمایت دولت از واحدهای تولیدی کوچک در ارائه کمک و مشاوره‌ی فنی و اطلاع رسانی با دستیابی آنها به فناوری‌های پیشرفته رابطه‌ی مستقیم دارد.

فرضیه ۲- حمایت دولت از واحدهای تولیدی کوچک در ارائه کمک و مشاوره‌ی مالی توان آنها را برای نوسازی ماشین آلات تولیدی افزایش می‌دهد.

فرضیه ۳- حمایت دولت از واحدهای تولید کوچک در ارائه کمک و مشاوره‌ی مالی توان ریسک پذیری و سرمایه گذاری آنها را افزایش می‌دهد.

فرضیه ۴- حمایت دولت از واحدهای تولیدی کوچک در ارائه کمک و مشاوره‌ی تجاری توان رقابتی آنها را افزایش می‌دهد.

- فرضیه ۵- حمایت از واحدهای تولیدی کوچک در ارائه کمک و مشاوره‌ی مدیریتی هزینه‌های تولیدی آنها را کاهش می‌دهد.
- فرضیه ۶- حمایت از واحدهای تولیدی کوچک در ارائه کمک و مشاوره‌ی مدیریتی باعث ارتقاء کیفیت محصولات آنها می‌شود.

جامعه پژوهش و روش نمونه گیری

جامعه در این تحقیق شامل دو گروه: (الف) مدیران واحدهای تولیدی کوچک و (ب) صاحب نظران دانشگاه و صنعت است.

مشخصات واحدهای تولیدی کوچک کشور از دیسکت فشرده‌ی اداره‌ی کل آمار و اطلاعات وزارت صنایع استخراج شده است، و برای تعیین تعداد نمونه از رابطه نسبت بر آورد نمونه‌ها استفاده شده است (دلاور، ۱۳۷۴ ص ۱۳۲). در رابطه ذکر شده، P نسبت موافقین با حمایت از صنایع کوچک تعریف شده و مقدار آن که ۰/۸۱ در نظر گرفته شده است از یکی از تحقیقات انجام شده در کشور اقتباس شده است (ناظمی و همکاران: ۱۳۸۰ ص ۴۵۶).

برای انتخاب نمونه از بین صاحب نظران صنعت و دانشگاه از روش نمونه گیری قضاوتی یا هدف دار، کمک گرفته شده است (زیکماند، ۲۰۰۰ ص ۳۵۱).^۱ برای هدف خاص این تحقیق، صاحب نظران آشنا با مسائل و مشکلات واحدهای تولیدی کوچک و مبانی نظری سیاستهای حمایتی مورد توجه پژوهشگر بوده اند.^۲

شیوه‌ی جمع آوری اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها

در جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش‌های بررسی آراء^۳ و دیدگاهها و مطالعه تطبیقی^۴ (بررسی راهبردها و سیاستهای حمایتی در چند کشور منتخب) استفاده شده است.

1. Zikmund
2. Judgmental or puproposive sampling
3. Opininion survey
4. Comparative study

به منظور آزمون فرضیه‌ها و ارزشیابی حمایت‌های بعمل آمده از واحدهای تولیدی کوچک از روش تحلیل اکتشافی داده‌ها^۱، آزمونهای t تک نمونه‌ای و جفت شده^۲ و آزمون‌های غیر پارامتریک ویلکاکسون^۳ و دو جمله‌ای استفاده بعمل آمده است.

نتایج حاصل از پژوهش

۱. مطالعه تطبیقی

نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که؛ در شرایطی که اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه برای سالهای متمادی توجه فوق‌العاده زیادی به تربیت نسل کار آفرین، ترویج فرهنگ کارآفرینی و حفاظت از حقوق مادی و معنوی نوآوران و محققان داشته‌اند، در ایران تنها در سالهای اخیر در قالب برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمک به متقاضیان راه اندازی واحدهای کوچک از طریق پیش بینی پرداخت تسهیلات و افزایش سرمایه‌ی صندوقهای حمایت از فرصت‌های شغلی برای طرح‌های زود بازده و خود اشتغالی مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر آن، مطالعه نشان داد که دولت‌ها در کشورهای تحت بررسی برای ایجاد مراکز پژوهشی مشترک با دانشگاهها، ایجاد مراکز اطلاعاتی، مراکز انتقال و ارتقاء فناوری، الزام نهادهای دولتی برای تامین بخشی از نیازهای خود از صنایع کوچک، کمک به جایگزینی ماشین آلات فرسوده و غیره کمک‌های زیادی به صنایع کوچک خود ارائه کرده‌اند، در حالی که، سیاستهای حمایتی و سازو کارهای اجرایی آن در کشورما به گونه‌ای بوده است که حمایت‌ها که اغلب به صورت اعطای کمک‌های مستقیم و غیر مستقیم مالی بعمل آمده است، متوجه صنایع بزرگ کشور شده است. بعنوان مثال، بررسی اسناد برنامه سوم و برنامه‌هایی که تحت عنوان مشوق‌های صنعتی تدوین شده (مشوق‌های صنعتی: ۱۳۷۹ ص ۵)، مبین این واقعیت است که؛ حتی در سالهای اخیر در بخش سیاستهای مالیاتی و عوارض گمرکی، صنایع بزرگ از امتیازات بیشتری نسبت به صنایع کوچک بر خوردار شده‌اند.

1. Exploratory data analysis
2. T-Test on sample and Paired t-test
3. Wilcoxon signed Rank test

۲. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

نتایج بدست آمده از تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده از طریق پرسش نامه‌های ارسال شده برای مدیران واحدهای تولیدی کوچک و صاحب نظران صنعت و دانشگاه و آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین حمایت‌های دولت از واحدهای تولیدی کوچک در ابعاد مالی، فنی و اطلاع رسانی، تجاری و مدیریتی با دستیابی آنها به فناوری‌های جدید، تولید محصولات با کیفیت برتر، افزایش قدرت ریسک پذیری، و ارتقاء توان رقابتی آنها رابطه مستقیم و بسیار قوی وجود دارد.

۳. نتایج ارزشیابی حمایت‌های گذشته

مطالعه‌ی پیشینه پژوهش در داخل و خارج و جمع بندی نتایج مطالعه تطبیقی پیش فرض‌های پژوهشگر را در مورد متغیرهای کلی که در تدوین فرضیه‌ها به عنوان زمینه‌های حمایتی و کمک‌های احتمالی دولت به واحدهای تولیدی کوچک معرفی شده بود، تأیید کرد.

بررسی نتایج بدست آمده از پژوهشهایی که در سالهای اخیر انجام شده نشان داد که بین عملکرد واحدهای تولیدی کوچک با قابلیت‌های مدیریتی و مهارت انسانی (مک لینگ و پیرس ۱۹۹۵ ص ۶۱)^۱، میزان دسترسی به منابع مالی، منابع اطلاعاتی و دانشی (چادویک، ۲۰۰۰ ص ۵۰)^۲، و نیز میزان دسترسی آنها به فناوری‌های جدید رابطه مستقیم و همبستگی قوی وجود دارد (وارن و میوچیسون، ۲۰۰۰ ص ۸۶)^۳. یافته‌های بالا امکان شناسایی زیر متغیرهای مهم حمایت‌های چهارگانه و عوامل محیطی موثر بر فعالیت واحدهای تولیدی کوچک را فراهم ساخت. از این رو، با جمع آوری اطلاعات متناسب با هدفهای پژوهش، زمینه لازم برای مقایسه حمایت‌های دولت در گذشته و حمایت‌های مورد انتظار صنایع کوچک بر مبنای ۱۹ متغیر فرعی که در جدول زیر نشان داده شده است فراهم آمد.

نتایج حاصل از آزمون‌های *t* و ویلکاکسون نشان داد که به استثنای حمایت‌هایی که تحت شماره‌های ۱، ۵ و ۸ در جدول (۱) مشخص شده‌اند، بین حمایت‌های بعمل آمده

1. mechlin & pearce

2. chadwick

3. Warren & Hutchison

از این صنایع و حمایت‌های مورد انتظار آنها تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، واحدهای تولیدی کوچک تحت مطالعه، در زمینه‌های مربوط به تأمین زمین، تسهیلات برای احداث کارگاه تولیدی، و نصب و راه انداز ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی از حمایت‌های کافی نهادهای دولتی بر خوردار شده اند، یا اساساً نیاز به حمایت در زمینه‌های فوق الذکر نداشته‌اند.

جدول (۱) - نتایج حاصل از آزمونهای t و ویلکاکسون

| نتیجه: کفایت یا عدم کفایت کمک دولت | مقایسه زوج‌ها t روش ویلکاکسون حمایت موجود در مقابل حمایت مطلوب |
|------------------------------------|--|
| کافی | ۱- تسهیلات برای تهیه زمین و ساختمان |
| نا کافی | ۲- تسهیلات برای خرید و نوسازی ماشین آلات |
| نا کافی | ۳- تخفیف یا معافیت مالیاتی |
| ناکافی | ۴- کمک به تأمین نقدینگی تولید |
| کافی | ۵- مشاوره مالی |
| نا کافی | ۶- کمک به انتقال فناوری و دستاوردهای علمی |
| نا کافی | ۷- مشاوره برای انتخاب فناوری مناسب |
| کافی | ۸- کمک به نصب و راه اندازی ماشین آلات |
| ناکافی | ۹- کمک به راه اندازی واحد R&D |
| ناکافی | ۱۰- کمک به طراحی محصول و فرایندهای تولید |
| نا کافی | ۱۱- کمک به شناسایی بازارهای داخلی و خارجی |
| نا کافی | ۱۲- کمک به شناسایی علایق و ترجیحات مشتریان |
| ناکافی | ۱۳- کمک به بهبود قابلیت‌های تجاری و ارتقا فروش |
| ناکافی | ۱۴- کمک به صدور محصولات به خارج |
| ناکافی | ۱۵- کمک به شرکت در نمایشگاههای داخل و خارج |
| ناکافی | ۱۶- اجرای دوره‌های آموزشی |
| نا کافی | ۱۷- کمک به بهینه سازی خطوط تولید و کاهش هزینه ها |
| نا کافی | ۱۸- کمک به تأمین مواد اولیه مرغوب |
| ناکافی | ۱۹- کمک به استقرار نظام کنترل کیفیت علمی |

جدول صفحه قبل خلاصه نتایج مقایسه حمایت‌های دریافتی با حمایت‌های مورد انتظار (مطلوب) واحدهای تولیدی کوچک را با آزمون ویلکاکسون و از خروجی نرم افزار Spss نشان می‌دهد.

۴. ارزیابی شرایط محیطی

نتایج حاصل از ارزیابی فعالیت واحدهای تولیدی کوچک، بطور کلی برنامساعد بودن شرایط از نگاه مدیران بنگاههای کوچک تولیدی و صاحب نظران مخاطب در این تحقیق دلالت دارد. جمع بندی نظر سنجی در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲) - نتایج حاصل از ارزیابی فعالیت واحدهای تولیدی کوچک

| جمع بندی نظریات صاحب نظران | | | جمع بندی نظریات مدیران واحدهای تولید کوچک | | | عوامل محیطی |
|----------------------------|------------|------------|---|------------|------------|---|
| بدون جواب | نامناسب | مناسب | بدون جواب | نامناسب | مناسب | |
| ۸/۳ | ۸۳/۳ | ۸/۳ | - | ۹۶/۳ | ۳/۷ | وضعیت قوانین و مقررات و چگونگی اجرای آن |
| بدون جواب | نامشخص | مشخص | بدون جواب | نامشخص | مشخص | سیاستها، هدفها و راهبردهای کلان توسعه صنعتی کشور |
| - | ۱۰۰ | - | ۱/۹ | ۹۴/۴ | ۳/۷ | نقش و وظایف حمایتی دولت در قبال صنایع کوچک کشور |
| بدون جواب | نامشخص | مشخص | بدون جواب | نامشخص | مشخص | برنامهها و راهبردهای حمایت از صنایع کوچک |
| - | ۹۱/۷ | ۸/۳ | - | ۹۴/۴ | ۵/۶ | چگونگی ارائه کمکها و خدمات حمایتگرانه دولت به صنایع کوچک |
| بدون جواب | تبعیض آمیز | بدون تبعیض | بدون جواب | تبعیض آمیز | بدون تبعیض | شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای ظهور خلاقیت، نوآوری و تولید |
| ۱۶/۷ | ۶۶/۷ | ۱۶/۷ | ۳۵/۲ | ۴۴/۴ | ۲۰/۴ | |
| بدون جواب | وجود ندارد | وجود دارد | بدون جواب | وجود ندارد | وجود دارد | |
| ۸/۳ | ۷۵ | ۱۶/۷ | ۱۵/۶ | ۶۸/۳ | ۳۷/۸ | |

| وضعیت امنیت اقتصادی کشور | | مناسب | نامناسب | بدون جواب | |
|---|--|-------|---------|-----------|-----------|
| کشور | | ۲۵/۶ | ۶۸/۳ | بدون جواب | |
| دسترس صنایع کوچک به نیروی انسانی ماهر در تمام سطح | | آسان | دشواری | بدون جواب | بدون جواب |
| | | ۴۶/۳ | ۴/۸ | ۵/۶ | - |

ارزشیابی مدیران واحدهای تولیدی کوچک و صاحب نظران صنعت و دانشگاه در مورد عوامل محیطی موثر بر فعالیت کارآفرینان و واحدهای تولیدی کوچک

نتیجه گیری

یکی از یافته‌های مهم تحقیق حاضر شناسایی درجه اهمیت هر یک از زمینه‌های حمایتی است. اگر چه انتظارات حمایت‌جویانه واحدهای تولیدی کوچک از دولت طیف وسیعی از کمک‌های مالی و غیر مالی را شامل می‌شود. نتایج مطالعه نشان داد که درجه اهمیت نیازها یکسان نیست.

برای سنجش درجه اهمیت نیازهای صنایع کوچک به حمایت‌های دولت، از پاسخ نامه‌های دریافتی از مدیران واحدهای تولیدی مخاطب در تحقیق استفاده شده است، و میانگین‌ها از توزیع فراوانی پاسخ‌ها به سوالهای چند گزینه‌ای (میزان نیاز از بسیار کم تا بسیار زیاد به ترتیب وزن‌های ۱ تا ۵ را دریافت کرده اند)، محاسبه شده است.

در زمینه حمایت مالی، کمک‌های دولت به واحدهای تولیدی کوچک برای تامین نقدینگی مورد نیاز آنها و معافیت مالیاتی به ترتیب با میانگین ۴/۲۹ و ۴/۲۴ از اهمیت بیشتری برخوردار است. از نگاه مدیران صنایع تحت بررسی، مهمترین نیاز به حوزه فنی و اطلاع رسانی مربوط به انتقال دستاوردهای علمی - تحقیقاتی و انتخاب فناوری‌های تولیدی مناسب تشخیص داده شد که میانگین‌ها به ترتیب ۴/۲۲ و ۴/۰۸ در جدول صفحه بعد نشان داده شده است.

ارائه تسهیلات برای شرکت صنایع کوچک در نمایشگاهها و شناسائی بازارهای بالقوه داخل و خارج توسط نهادهای متولی امر، مهم ترین زمینه‌های حمایت تجاری مورد انتظار این گروه از صنایع کشور بر آورد شده است که میانگین موزون استخراج شده به ترتیب ۴/۱۸ و ۴/۱۴ بوده است.

نظر سنجی نشان می‌دهد که در سایر زمینه‌های حمایتی، انتظارات صنایع کوچک از دولت، کمک به ارتقاء کیفیت محصولات آنها با میانگین ۴/۲۷ و تامین مواد اولیه

مرغوب با میانگین ۴/۲ از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.
جدول (۳) - نیازهای واحدهای تولیدی کوچک

| میانگین موزون | نوع حمایت | |
|---------------|--|---|
| | الف- حمایت مالی | |
| ۴/۲۹ | ۱- کمک برای تامین نقدینگی مورد نیاز تولید | ۱ |
| ۴/۲۴ | تخفیف یا معافیت مالیاتی | ۲ |
| ۴/۱۸ | تسهیلات برای خرید ونوسازی ماشین آلات | ۳ |
| ۳/۶۶ | مشاوره مالی | ۴ |
| ۳/۲ | کمک به تامین زمین و ساختمان | ۵ |
| | ب: حمایت فنی و اطلاع رسانی | |
| ۴/۲۲ | کمک به انتقال فناوری و دستاوردهای علمی | ۱ |
| ۴/۰۸ | کمک به انتخاب فناوری مناسب | ۲ |
| ۴/۰۲ | کمک به طراحی محصول و فرایندهای تولید | ۳ |
| ۳/۸۲ | کمک به راه اندازی واحد تحقیقاتی و تامین محقق | ۴ |
| ۳/۰۲ | کمک به نصب و راه اندازی ماشین آلات تولیدی | ۵ |
| | ج- حمایت تجاری | |
| ۴/۱۸ | کمک برای شرکت در نمایشگاههای داخلی و خارجی | ۱ |
| ۴/۱۴ | کمک به شناسای بازارهای داخلی و خارجی | ۲ |
| ۳/۹۸ | کمک برای صدور محصولات به خارج | ۳ |
| ۳/۹۴ | کمک به بهبود قابلیت های تجاری و ارتقاء فروش | ۴ |
| ۳/۷ | کمک به شناسائی علائق و ترجیحات مشتریان | ۵ |
| | د- حمایت های مدیریتی | |
| ۴/۲۷ | کمک به ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی | ۱ |
| ۴/۲ | کمک به تامین مواد اولیه مرغوب | ۲ |
| ۴/۱۲ | کمک به بهینه سازی خطوط تولید و کاهش هزینه (تکنیک های مدیریت تولید) | ۳ |
| ۴/۰۸ | کمک به اجرای دوره های آموزشی | ۴ |

از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که؛ در اکثر زمینه‌های حمایتی مورد انتظار واحدهای تولیدی کوچک، بین حمایت‌های بعمل آمده و نیاز واقعی آنها شکاف عملکردی قابل توجهی وجود دارد، و سیاستهای حمایتی گذشته و سازوکارهای اجرایی آن با شرایط مطلوب فاصله قابل توجهی دارد.

پیشنهادها

۱. سیاست‌های کلان

در تدوین سیاستهای کلان توسعه صنعتی کشور و تشکیل شورای عالی تحقیقات و فناوری که از جمله اهم مسائل کشور محسوب می‌شود، می‌باید به تفاوت‌های اساسی صنایع از جهت اندازه یا حجم فعالیت توجه داشت. سیاستهای حمایتی باید به گونه‌ای تدوین شود که اولاً؛ در چارچوب سیاستهای توسعه صنعتی باشد، ثانیاً؛ در کنار توجه به تفاوت‌های صنایع کوچک، متوسط، و بزرگ اصل مهم مکمل بودن آنها نیز لحاظ گردد.

۲. سیاستهای حمایتی

پراکندگی واحدهای تولیدی کوچک، ضرورت ایجاد ساختار سازمانی مسئول برای ارائه خدمات حمایتی و کمک‌های آموزشی و مشاوره‌ای را به صورت شبکه‌ای فراگیر اجتناب ناپذیر می‌سازد. این شبکه باید بتواند خدمات متنوع تخصصی را با استفاده از مراکز مشاوره‌ای و کمیته‌های تخصصی در سراسر کشور و در اسرع وقت با هزینه اندک به واحدهای تولیدی کوچک متقاضی عرضه کند. ساختار مورد نظر باید توانایی ایفای نقش هماهنگ کننده را برای استفاده از ظرفیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی صنایع و وزارتخانه‌ها، مراکز فنی و حرفه‌ای کشور داشته باشد.

۳. سیاستهای آموزشی

کمک به راه اندازی واحدهای تولیدی کوچک، و حفظ و ارتقاء مستمر عملکرد واحدهای فعال مستلزم برخورداری کار آفرینان و مدیران صنایع کوچک از آموزش‌های نظری و عملی در بالاترین سطح کیفی است. این ضرورت، مسئولیت نهادهای آموزشی کشور را برای اصلاح برنامه‌های آموزشی و محتوی دروس متناسب با تغییر در علم و فناوری یاد آوری می‌کند. برخی از الزامات که در شرایط حاضر اهمیت فراوان دارد عبارت است از:

- ارائه دروس کارآفرینی و مدیریت صنایع کوچک به عنوان بخشی از برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاهی به ویژه رشته‌های مهندسی و مدیریت
- طراحی و اجرای کارگاههای آموزشی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاهها، و نیز برای متقاضیان و سرمایه گذاران بالقوه با هدف تقویت مهارت‌های پایه، ارتقاء مهارت‌های خلق ایده و آشنایی با فرایند نو آوری و مهارت‌های کارآفرینی.
- اجرای دوره‌های آموزشی نظری- عملی در زمینه تهیه طرح‌های تجاری و آشنایی جوانان جویای کار و فارغ التحصیان دانشگاهها با تکنیک‌های ارزیابی فعالیت‌های جدید.
- طراحی و اجرای کارگاههای آموزشی برای ارتقاء مهارت‌های فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدیران واحدهای تولیدی کوچک در زمینه مدیریت عمومی فعالیت‌های جدید و کارگاههای کوچک و تکنیک‌های مدیریت عملیات (تولید).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. ایران نژاد پاریزی، مهدی، (۱۳۷۸). "روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی" تهران: نشر مدیران .
۲. بامداد صوفی، جهانیار (۱۳۷۳). "ویژگی‌های مدیریتی شرکت‌های کوچک و متوسط". مجله مطالعات مدیریت، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
۳. رحمان سرشت، حسین، (۱۳۷۹). "مدیریت استراتژیک و سیاستگذاری" جزوه درسی منتشر نشده، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی
۴. رحمان سرشت، حسین. (۱۳۷۹). "گامی به سوی طراحی مدلی برای نوآوری در سازمانها" جزوه درسی منتشر نشده، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی
۵. شریف النسبی، مرتضی. (۱۳۷۶). "نقش عظیم صنایع کوچک و اشتغال مولد جوانان در افق سال ۱۴۰۰"، نشریه صنعت و توسعه سال سوم شماره ۱۴.
۶. مشایخی، علینقی. (۱۳۷۲). "نقش مدیریت در انتقال تکنولوژی"، مجله دانش مدیریت، شماره ۲۰.
۷. مهدی عادل، حسین و همکاران، (۱۳۷۸). "نقش کارآفرینان در ایجاد اشتغال، بررسی بازار کار و تدوین راهکارهای توسعه اشتغالهای زود بازده". دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. ناظمی، شمس الدین و همکاران (۱۳۸۰). "شناخت مسئولیت‌های وزارت نیرو در حمایت از محققین و سازندگان تجهیزات برق". معاونت تحقیقات و فناوری سازمان توانیر.

منابع لاتین:

1. Barrow. C. (1993). "The Essence of Small Business", Prentice-hall International.
2. Cadwick, C. (2000). "Build a Better Business Incubator through Branding" Advertising Age, Vol. 71. issue 43.
3. Cecora, J. (2000). "Entrepreneurs, and Small and Medium Enterprises in Regional Economies", International Revive of Sociology, Vol. 10. Issue. 1.
4. Hodgetts, H. and D. Kuratko. (2001). "Effective Small Business Management", 7th Edition, Harcourt College Publications.
5. Larevere, R. (1996). "IT Diffusion in SME's," Information technology for Development, Vol., issue.
6. Lind, P. (2000). "One the Applicability of a Computer Model for Business

Performance Analysis in SME's: A case study from Chile", Information Technology for development, Vol.9, issue1.

7. Mechling, Gand J. Pearce (1995). "Exploiting AMT in Small Manufacturing Firms for Global Competitiveness", International Journal of Operation and Production Management, Vol. 15, issue2.

8. Parker, R. (2000). "An Evaluation of Policy Support for SME's in Australia," Australian Journal of Political science, Vol. 35, issue 2.

9. Warren, L. and W. Hutchinson (2000). "Success Factors for High-tech SME's: A case study from Australia", Journal of Small Business Management, Vol. 38, issue 3.

10. Zikmund, w. (2000). "Business Research Method", 6th edition, Oklahoma State Univ. the Dryden Press, USA.

